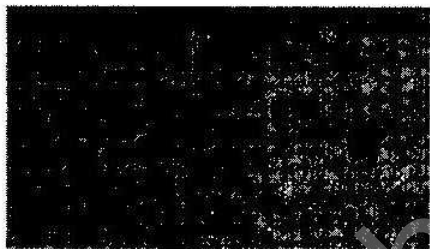


پنجره شعر امروز



عَمان نامه ماهی‌ها

چند استکان از عَمان

سمانه نایینی

پنجره شعرامروز

سرشناسه : نائینی، سمانه، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور : چند استکان از عمان / سمانه نائینی.
مشخصات نشر : تهران : انتشارات مایا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۶۶ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۰۴-۹۲-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ج۹ ۹۵الف / PIR۸۳۶۲
رده بندی دیویی : ۸۸۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۴۰۶۶۲

ما:با

انتشارات مایا

چند استکان از عمان

سمانه نائینی

نشر: مایا

چاپ اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۰۴-۹۲-۲

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: ترنج

صفحه‌آرایی: یاسر عزآباد

تصویرگر: آرش لاهیجی

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

E: nashrmaya@gmail.com

خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری غربی، پلاک ۸۸

تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

تلفن همراه: ۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

در تعریفش نوشته شده دریای عُمان (خلیج عمان) پهنه‌ای آبی است که در شمال غربی دریای عرب و اقیانوس هند و شرق تنگه هرمز و خلیج فارس قرار گرفته‌است. ایران در شمال این دریا و عمان و بخش کوچکی از امارات در جنوب آن جای دارند. در سازمانهای بین‌المللی و زبان‌های دیگر آن را خلیج عمان می‌نامند.

اما من از کودکی همیشه دلم در گروی دریایی بود که تنها آب آزاد ایران است، که نام کودکی اش «دریای پارس» بوده. که ساحل مرجانی اش در جهان بی‌نظیر است. که حالا حتی نامش برای همسایه‌هاست، که پر از ماهی‌های رنگارنگ ست ... که ما هر روز برایش کمپین هم تشکیل نمی‌دهیم و امضا هم جمع نمی‌کنیم و غصه هم نمی‌خوریم به خاطرش. اما اعتراف می‌کنم که از کودکی هابم تا امروز خیلی غصه‌اش را خورده‌ام. "عُمان نامه ماهی‌ها" حکایت من است. حکایت تو، حکایت عمان و ماهی‌هایش. حکایت همه ما که همه ما را دوست داریم اما در لحظات خاص زندگی تصمیمی که می‌گیریم همدیگر را نادیده بگیریم.

همه ما که بودندمان در گروی نبودن نزدیک‌ترین‌ها به ماست. نسبت ماهیگیر را داریم به ماهی، ماهی را به دریا، دریا را ماهی‌گیر و همین‌طور بگیر تا آخر...

آخرش کجاست راستی؟

عمان پدرم نیست، پدر بزرگم هم نیست اما سخت به آن تکیه داده‌ام. بی‌بی مادرم نیست، مادر بزرگم هم نیست اما مثل

خاکم، - که نام دیگرش وطن است، که ای کاش آدمی وطنش را... همیشه تنگ در آغوشش گرفته ام. ماهی ها کودکم نیستند اما روی زانوهایم بزرگشان کرده ام و...

اینجا هیچ کس هیچ کس نیست جز من که سی سالگی‌هایم را در هیچ کسی مطلقم قدم زده‌ام.

راستی سی سالگی مهم است؟ این را از «بالزاک» می‌پرسم و او با «زن سی ساله» ای که در سی سالگی عاشق می‌شود و بی‌خیال همه بند و بست‌های سی ساله عاشقی می‌کند و بزرگ می‌شود و «زن» می‌شود پاسخم را می‌دهد.
راستی سی سالگی واقعا مهم است؟

www.ketab.ir